

اثر UV-B و اسید هیومیک بر روی صفات فیزیولوژیکی گیاه مفراح (*Nepeta crispa*)

زهرا کریمی^۱، علی عزیزی^۱ و علیرضا نوروزی شرف^{۱*۲}

^۱ گروه علوم باگبانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

^۲ گروه علوم و مهندسی باگبانی و فضای سبز، دانشگاه سید جمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸)

چکیده

مفراح گیاهی چندساله از تیره نعناعیان است. مطالعه حاضر با هدف اثر کاربرد توأم اسید هیومیک و پرتوتابی UV-B بر رشد و برخی پاسخ‌های فیتوشیمیایی گیاه مفراح مورد مطالعه قرار گرفت. آزمایش به صورت فاکتوریل (دو فاکتوره) در قالب طرح کاملاً تصادفی با سه تکرار اجرا شد. فاکتور اول، اسید هیومیک در چهار سطح (صفر، ۲، ۴ و ۸ گرم در لیتر) و فاکتور دوم، پرتو UV-B در سه سطح (صفر، ۱ و ۳ ساعت پرتودهی در روز) بود. بر اساس نتایج حاصل، بر خلاف تیمار پرتوتابی UV-B، اثر کاربرد اسید هیومیک باعث افزایش معنی‌دار ارتفاع ساقه نسبت به تیمار شاهد شد. همچنین بیشترین میزان فل و فلاونئید کل و ظرفیت آنتی‌اکسیدانی و کمترین میزان تانن کل همگی در تیمار ۳ ساعت پرتوتابی UV-B، در روز بدون کاربرد اسید هیومیک به دست آمد. بیشترین میزان تانن کل و کمترین ظرفیت آنتی‌اکسیدانی نیز در تیمار ۸ گرم در لیتر اسید هیومیک، مشاهده شد. نتایج آنالیز HPLC عصاره برگ نشان داد که بیشترین میزان اسید رزمارینیک و اسید سالوپانولیک در تیمار ۳ ساعت پرتوتابی UV-B در روز تولید شد. در میان اسیدهای فنولیک مورد مطالعه، بیشترین میزان اسید کلروژنیک در تیمار ۳ ساعت پرتوتابی UV-B به همراه ۸ گرم در لیتر اسید هیومیک به دست آمد. بیشترین میزان اسید کافئیک نیز با تیمار ۱ ساعت پرتوتابی به همراه ۴ گرم در لیتر اسید هیومیک مشاهده شد. بطورکلی، به کارگیری توأم (برهمکنش) اسید هیومیک و UV-B روی صفات فل کل، فلاونئید کل، اسید کافئیک و اسید کلروژنیک بسیار معنی‌دار بود. کاربرد اسید هیومیک در گیاه مفراح در میزان تانن کل، ظرفیت آنتی‌اکسیدانی و اسید رزمارینیک (اثر ساده) در سطح ۱ درصد معنی‌دار شد و باعث افزایش تانن، کاهش فعالیت پاداکسایشی و کاهش مقدار اسید رزمارینیک در برگ مفراح شد. اسید هیومیک باعث کاهش مقادیر ظرفیت آنتی‌اکسیدانی و اسید رزمارینیک می‌شود و تنها صفتی که اثر افزایشی بر روی آن داشت میزان تانن کل بود. نتایج این پژوهش می‌تواند برای کشت این گیاه تحت شرایط گلخانه‌ای مزرعه‌ای، مدنظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: اسید رزمارینیک، ترکیبات فلی، تنش نوری، ظرفیت آنتی‌اکسیدانی، عوامل کاهنده تنش

مقدمه

گیاهان دارویی و معطر، همچنین بر کمیت و کیفیت مواد مؤثره

آن‌ها تأیید شده است (Mafakheri and Kordrostami, 2021).

محصول یک گیاه دارویی از نظر اقتصادی وقتی مقرر و به صرفه است که مقدار متابولیت‌های ثانویه آن به حد مطلوب

انجام واکنش‌های متابولیسمی در گیاهان، مانند هر موجود

زندگی دیگر، با هدایت فرآیندهای ژنتیکی و ساختار و راشتی آن‌ها است. با این وجود، تأثیر عوامل محیطی بر رشد و نمو

نور رسیده به سطح زیست کره وجود ندارد و برای سیستم‌های زنده مناسب نیست. این باند به شدت کشنده سلول است اما UV-C خورشیدی به وسیله اکسیژن و ازن در اتمسفر جذب Ghasemi می‌شود و عامل مخربی در محیط زیست نمی‌باشد (Ghasemi et al., 2019). پرتو UV-A به وسیله لایه ازن قابل جذب نیست و به میزان زیادی در نور معمول خورشید وجود دارد. این پرتو تقریباً ۶/۳ درصد از کل نور خورشیدی را تشکیل DasSarma et al., 2020) می‌دهد و بخش کم خطر پرتوها است (آمروزه فعالیت‌های صنعتی بشر باعث افزایش ترکیبات آلوده‌کننده اتمسفر به خصوص ترکیبات هالوژن دار شده است که این ترکیبات به دلیل پایداری زیادی که دارند به سطح استراتوسفر رسیده و باعث تخریب لایه ازن می‌شوند و کاهش لایه ازن باعث افزایش میزان پرتوهای فرابنفش در سطح زمین شده است (Buchholz et al., 1995). تنش نور معمولاً باعث ایجاد تنش اکسایشی در گیاهان می‌شود (Zhang and Bjorn, 2009). تنش اکسایشی در گیاهان عوارضی ایجاد می‌کند که از آن جمله می‌توان به تولید گونه‌های فعال اکسیژن دار (ROS)، پراکسیداسیون لیپیدها، تخریب غشاها بیولوژیکی و غیره اشاره کرد. گیاهان برای مقابله با تنش اکسایشی ناشی از تنش نوری و از بین‌بردن ترکیبات فعال اکسیژن، دارای سیستم‌های دفاعی پیشرفته‌ای هستند آنزیم‌های آنتی‌اکسیدان و برخی اسیدهای آلی. برخی از تحقیقات انجام شده پیشنهاد کرده‌اند که تنش اکسایشی نقش مهمی را در سنتز متابولیت‌های ثانویه بازی می‌کند، با این وجود نقش نور در بیوستز متابولیت‌های ثانویه در گیاهان هنوز به خوبی روشن نیست (Shin et al., 2011).

مواد هیومیکی شامل مخلوطی از ترکیبات آلی مختلف هستند که از باقی‌مانده‌ی گیاهان و حیوانات حاصل می‌شوند (MacCarthy, 2001). اسید هیومیک از جمله ترکیبات دارای کربن آلی حاصل از شکسته شدن و تجزیه زیستی و شیمیایی گیاهان و جانوران است و حدود ۷۵ درصد مواد آلی بیشتر خاک‌های معدنی را تشکیل می‌دهد. اسید هیومیک یک ترکیب پلی‌مری طبیعی آلی است که در نتیجه پوسیدگی مواد آلی

رسیده باشد. با انتخاب عوامل محیطی و ارقام گیاهی مناسب می‌توان به حداقل مقدار محصول دست یافت (Ghasemi et al., 2019). عواملی چون درجه حرارت، میزان بارندگی، شدت نور و ارتفاع از سطح دریا که تعیین‌کننده اقلیم یک منطقه هستند، از جمله مهم‌ترین عوامل محیطی تأثیرگذار در تجمع ترکیبات مؤثره (متabolیت‌های ثانویه) در گیاهان هستند (Rahimi et al., 2021). به عنوان مثال، فتوستز مهم‌ترین فرآیند زیستی گیاهان است که برای انجام آن وجود نور الزامی است. عمل فتوستز به تولید ترکیبات آلی در گیاه منجر می‌شود. نور علاوه بر تأمین انرژی برای فتوستز، به عنوان یک سیگنال تأثیرگذار در مراحل رشد گیاه است. نمو گیاه به ویژگی‌های مختلف نور مانند کیفیت، شدت و مدت (طول روز) وابسته است (Heijde and Ulm, 2012). از مهم‌ترین فاکتورهای محیطی تأثیرگذار در رشد و فیزیولوژی گیاهان، نور می‌باشد و تغییرات در طیف نور منجر به تغییر در مقدار متابولیت‌های ثانویه می‌شود. متابولیت‌های ثانویه گوناگون، نور فرابنفش را در قسمت‌های مختلف جذب می‌کنند و گیاه را از تابش بیش از حد نور مرئی حفظ می‌نمایند (Ouzounis et al., 2014). کیفیت، شدت و مدت روشنایی، هر یک به تنهایی می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر وضعیت متابولیت‌های ثانویه بر جای بگذارد (Al Murad et al., 2021). زندگی و رشد گیاه در معرض انواع زیادی از تنش‌های طبیعی هستند مثل تنش آبی، حرارتی، تنش نوری و غیره قرار می‌دهد که تمامی این تنش‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم بر دستگاه فتوستز و عملکرد آن تأثیر می‌گذارند. یکی از پرتوهایی که بر تنش نوری تأثیر می‌گذارد پرتو فرابنفش است. پرتو UV از لحاظ طول موج به سه ناحیه UV-C با طول موج ۱۹۰ تا ۲۸۰ نانومتر، UV-B با طول موج ۲۸۰ تا ۳۲۰ و UV-A با طول موج ۳۲۰ تا ۳۹۰ نانومتر تقسیم می‌شود. پرتو UV-B پرانرژی‌ترین ترکیب از نور خورشید Buchholz et al., 1995 است که بخشی از آن به سطح زمین می‌رسد (UV-B رسیده به سطح زمین به عوامل اتمسفری، غلظت ازن، رطوبت، زاویه تابش خورشید نسبت به زمین، ذرات گرد و غبار، و پوشش ابر بستگی دارد. UV-C در

Muscolo *et al.*, 2013) فسفات باعث افزایش رشد گیاهان می‌شود ().

مفراح (پونه‌سای مواج) با نام علمی *Nepeta crispa* گیاهی چندساله از تیره نعناعیان (Lamiaceae) است. در گویش محلی به دلیل رایحه مطبوع آن "مفراح یا مفرح" نامیده می‌شود و در طب سنتی ایران به ویژه همدان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، پونه‌سای مواج یکی از معطرترین گیاهان بومی استان همدان است که انحصاری ایران و الوند است (Mahmoodi *et al.*, 2022). تحقیقات اندکی در زمینه تأثیر توأم و برهمکنش پرتو UV-B و اسید هیومیک بر گیاهان صورت گرفته است (Todorova *et al.*, 2014). در بررسی منابع علمی نشان داده شده است که این دو عامل به صورت مجزا، تأثیر زیادی بر فیزیولوژی گیاهان دارویی دارند. از این رو در مطالعه حاضر، برهمکنش این دو عامل در رشد و کیفیت گیاه دارویی مفراح مورد بررسی قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

برای انجام این پژوهش نشاء‌های گیاه مفراح از باغ گیاهان دارویی بوعلی سینا وابسته به مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان همدان تهیه شد. پژوهش شامل دو مرحله گلخانه‌ای و آزمایشگاهی بود که هر دو مرحله در گلخانه و آزمایشگاه تحقیقاتی گیاهان دارویی گروه علوم باطنی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان انجام شد. عملیات گلخانه‌ای آزمایش که شامل رشد و انتقال نشاء‌ها به گلدان بود، از ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۷ تا اول مردادماه ۱۳۹۷ انجام شد. مرحله بعدی که شامل سازگاری و تیماردهی گلدان‌ها بود، در محیط بیرون گلخانه از تاریخ ۱ مرداد ۱۳۹۷ تا ۲۸ شهریور ۱۳۹۷ انجام گرفت. پس از اتمام مرحله تیماردهی، خشک‌کردن، عصاره‌گیری و ارزیابی صفات فیتوشیمیایی نمونه‌ها در آزمایشگاه گروه علوم باطنی انجام شد. آزمایش به صورت فاکتوریل (دو فاکتوره) در قالب طرح کاملاً تصادفی با سه تکرار و یک گلدان (از نوع پلاستیکی، با قطر دهانه ۲۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر) در هر تکرار اجرا شد. فاکتور

خاک، پیت، لیگنن و غیره به وجود می‌آید که می‌تواند برای افزایش محصول و کیفیت آن به کارگرفته شود (Aiken *et al.*, 1986). اسید هیومیک با وزن مولکولی ۳۰۰-۳۰ هزار دالتون سبب تشکیل کمپلکس‌های پایدار و نامحلول با عناصر میکرو می‌گردد (Liu and Cooper, 2000). از مزایای مهم اسید هیومیک می‌توان به کلات‌کنندگی عناصر غذایی مختلف مانند سدیم، پتاسیم، منیزیم، روی، کلسیم، آهن، مس و سایر عناصر در جهت غلبه بر کمبود عناصر غذایی اشاره کرد که سبب افزایش طول و وزن ریشه و آغازش ریشه‌های جانبی می‌شود و همچنین تأثیر بر صفات فیتوشیمیایی آویشن باعی گزارش شده است (Noroozisharaf and Kaviani, 2018). اسید هیومیک در ریشه‌زایی نقش عمده‌ای داشته و عموماً در باغات در زمان کاشت نهال با خاک مخلوط می‌گردد و با تولید بیشتر اسیدهای نوکلئیک و اسیدهای آمینه تکثیر سلولی را در کل گیاه و به خصوص در ریشه‌ها افزایش می‌دهد. این مواد با حفظ رطوبت از طریق پیوند با مینرال‌های خاک و کنترل دمای اطراف ریشه از یک سو و از سوی دیگر با افزایش متabolism و نفوذپذیری جدار سلول‌ها باعث افزایش فرآیند جذب در ریشه می‌شود (Aydin *et al.*, 2012). اسید هیومیک به عنوان یک کود ضدتنش مطرح است که باعث می‌شود تا تعادل گیاه برگردد و عملکرد و بازدهی به خصوص در کشت‌های صنعتی بر هم نخورد. این کود به خشک‌کردن اتیلن گیاه در زمان تنش باری می‌رساند. هورمون ضدتنش می‌تواند روی ژنوم گیاهان تأثیر بگذارد و آن‌ها را برای تولید آنتی‌اسیدانت بیشتر تحریک کند. همچنین این کود سطح فعالیت آنزیم‌هایی که در ساختار گیاه هست را افزایش می‌دهد. تأثیر اسید هیومیک بر رشد گیاه ممکن است به صورت مستقیم (افزایش کل وزن خشک گیاه) و یا به صورت غیرمستقیم (افزایش راندمان مصرف کود و کاهش فشردگی خاک) باشد. اسید هیومیک با افزایش تبادل کاتیونی، طرفیت نگهداری آب در خاک و همچنین ایفای نقش بر نفوذپذیری غشاء به عنوان ناقل پروتئین، فعال‌کردن تنفس، چرخه کربس، فتوستتر و تولید آمینواسید و آدنوزین تری

صفات مورد بررسی و روش‌های اندازه‌گیری آن‌ها: به منظور ارزیابی صفات فیتوشیمیایی شامل فنل کل، فلاونوئید کل، تانن کل و ظرفیت آنتیاکسیدانی پس از عصاره‌گیری از برگ‌های سایه خشک شده مفرح و طی شدن مراحل مختص اندازه‌گیری هر صفت، میزان جذب نمونه‌ها توسط دستگاه اسپکتروفوتومتر (مدل کری ۱۰۰، واریان، آمریکا) در طول موج معین اندازه‌گیری شد، جهت محاسبه نهایی صفات نیز، منحنی استاندارد هر کدام به صورت جداگانه رسم شد. تعیین میزان مواد مؤثره فنلیک مانند اسید رزمارینیک، اسید کافئیک، اسید کلروژنیک و اسید سالویانولیک در عصاره‌های برگی نیز با استفاده از دستگاه HPLC (مدل small line knuar کشور آلمان) انجام شد. مدل ستون (– C18 (Hypersii – Keyfton داخلی ۴/۶ سانتی‌متر، دتکتور فرابینفسن، دتکتور از نوع UV-DETECTOR بود و در دمای ۲۵ درجه سانتی‌گراد و طول موج ۳۳۰ نانومتر تنظیم شد. استونیتریل (۹۵٪) و ارتوفسفریک (۱٪) به عنوان حلال مورد استفاده قرار گرفتند. میزان حجم هر تزریق نمونه ۲۰ میکرولیتر و سرعت جریان فاز متحرک ۱ میلی‌لیتر در دقیقه بود. ۲۰ میکرولیتر از عصاره تهیه شده به منظور شناسایی و تعیین ترکیبات فولی به دستگاه تزریق شد. به منظور شناسایی ترکیبات، مساحت زیر منحنی کروماتوگرام برای هر پیک مشخص شد. براساس زمان بازداری پیک‌های خروجی و مطابقت پیک‌های استاندارد، مقدار و نوع ماده خروجی از ستون شناسایی و تعیین شد و در نهایت غلاظت این ترکیبات بر حسب میلی‌گرم در گرم وزن خشک برگ براساس معادله خط مختص هر اسید فنلی و فرمول محاسبه شد.

معادله خط اسید رزمارینیک

$$R^2 = 0.998 \quad (y = 121392 - 748780x)$$

معادله خط اسید کلروژنیک

$$R^2 = 0.990 \quad (y = 110981 - 200000x)$$

معادله خط اسید کافئیک

$$R^2 = 0.997 \quad (y = 109732 - 100000x)$$

اول، اسید هیومیک در چهار سطح و فاکتور دوم، پرتو UV-B در سه سطح بود. برای پرتودهی UV-B نیز از یک عدد لامپ مخصوص UV استفاده شد که به منظور سهولت انجام کار و نتیجه بهتر، یک لامپ روی داربست فلزی به طول ۲۰۰ سانتی‌متر، عرض ۶۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۷۰ سانتی‌متر از سطح زمین قرار گرفت. به منظور بهره‌مندی بهتر گیاهان از پرتوهای UV داربست با فویل‌های آلومینیومی پوشانده شد و به صورت اتفاق گلدان‌ها زیر اتفاق UV، گلدان‌ها به سه دسته تقسیم شدند، دسته اول مربوط به تیمار یک ساعت UV، دسته وسط سه ساعت UV و دسته آخر شاهد بود. سطوح فاکتور اول (اسید هیومیک) شامل: صفر (شاهد)، ۲، ۴ و ۸ گرم در لیتر بود که در آب حل می‌شد، به میزان ۳۰۰ میلی‌لیتر توسط بشر مدرج به خاک گلدان‌ها اضافه می‌شد. پس از اتمام تیماردهی با اسید هیومیک نوبت پرتودهی شد، سطوح فاکتور دوم (پرتو UV-B) شامل: بدون پرتوتابی (شاهد)، ۱ و ۳ ساعت پرتودهی در روز بود که با لامپ UV-B ساخت شرکت فلیپس به قدرت ۴۰ وات، شدت ۰/۴ وات بر متر مربع، طول ۱۲۰۰ میلی‌متر، قطر ۲۸ میلی‌متر و با فاصله ۲۰ سانت از منابع گیاهی انجام شد. تیماردهی در مرحله گل‌دهی و بین ساعات ۲ الی ۷ بعد از ظهر انجام شد. بدین ترتیب که ابتدا اتفاق برای تیمار ۱ ساعت روی گیاهان دسته اول قرار می‌گرفت، رأس ساعت ۳ بعدازظهر لامپ UV-B روشن می‌شد و پس از یک ساعت یعنی رأس ساعت ۴ لامپ خاموش می‌شد. سپس دقیقاً همین عملیات برای دسته گیاهان بعدی تکرار می‌شد با این تفاوت که آن‌ها سه ساعت تحت تیمار UV-B قرار می‌گرفتند. آبیاری گیاهان نیز یک روز در میان و قبل از اعمال تیمارها با توجه به نیاز گیاه انجام می‌شد. تیماردهی گیاهان بدین شیوه تا ۱۵ روز متمادی صورت گرفت و صبح روز شانزدهم یعنی ۲۸ شهریور ۱۳۹۷ پس از اندازه‌گیری طول ساقه، تمامی گیاهان کف بر شدن و جهت سایه خشک‌کردن و اندازه‌گیری صفات مورد نظر به آزمایشگاه منتقل شدند.

میکرولیتر از هر نمونه عصاره را برداشته و به آن مقدار ۵۰۰ میکرولیتر آب مقطر افروده شد و با سرعت ده هزار دور در دقیقه به مدت ۵ دقیقه سانتریفیوژ شد سپس ۷۵ میکرولیتر عصاره در دمای اتاق در تاریکی درون لوله فالکون ریخته شد سپس ۲۹۲۵ میکرولیتر از محلول متانولی DPPH به آن اضافه و بعد از گذشت ۳۰ دقیقه در تاریکی میزان جذب در طول موج ۵۱۵ نانومتر توسط دستگاه اسپکتروفوتومتر با بلانک متانول ۸۵ درصد اندازه‌گیری شد.

داده‌های حاصل از آزمایش‌ها پس از برسی و انجام پراکنش آزمون نرمال بودن، با استفاده از نرمافزار آماری SAS نسخه ۹/۴ تجزیه شد. میانگین‌ها نیز با آزمون چند دامنه‌ای دانکن مقایسه شدند. تجزیه خوش‌ای و همبستگی بین صفات با استفاده از نرمافزار R انجام شد.

نتایج و بحث

تأثیر اسید هیومیک و پرتو فرابنفش بر ارتفاع ساقه گیاه مفراح: نتایج حاصل از تجزیه واریانس اثر اسید هیومیک و پرتو فرابنفش بر روس صفات مورد مطالعه در جدول ۱ آمده است. کاربرد اسید هیومیک و پرتوتابی UV-B روی افزایش ارتفاع ساقه مفراح در سطح یک درصد معنی‌دار شد ولی اثر متقابل این دو تیمار تأثیر معنی‌داری در افزایش یا کاهش ارتفاع گیاه نداشت. یافته‌های حاصل از مقایسه میانگین داده‌ها نشان داد که سطوح مختلف اسید هیومیک باعث افزایش ارتفاع ساقه مفراح می‌شود، بهنحوی که بیشترین ارتفاع ساقه (۵۴/۶۶ سانتی‌متر) مربوط به تیمار کاربرد ۸ گرم اسید هیومیک در لیتر بود (جدول ۲). پرتوتابی با UV-B نیز به طور معنی‌داری باعث کاهش ارتفاع ساقه مفراح شد و کمترین ارتفاع در ۳ ساعت پرتوتابی رخ داد (جدول ۲).

تابش پرتوهای فرابنفش با انرژی بالا یک پدیده تنفس‌زا در ویژگی‌های رشدی گیاه است. مشخص شده است که گیاهان واکنش‌های متفاوتی نسبت به فرابنفش نشان می‌دهند. اثر نور فرابنفش در بیش از ۳۰۰ نوع گیاه مورد بررسی قرار گرفته است و در ۵۰ درصد گیاهان کاهش رشد و کاهش سطح برگ

معادله خط اسید سالویانولیک

$$R^2 = 0.998 \quad (y = 0.76856 \times - 100000)$$

$$\frac{\text{غلظت در منحتی استاندارد}}{1000} \times \frac{0/3}{1} = \text{میزان اسیدهای فنولیک}$$

سنچش فنل کل به روش فولین سیوکالتیو انجام شد (Tezcan *et al.*, 2009). بدین منظور ۳۰۰ میکرولیتر از عصاره نمونه گیاهی را برداشته و به آن ۱۵۰۰ میکرولیتر معرف فولین رقیق شده با نسبت ۱ به ۱۰ اضافه شد و به مدت ۵ دقیقه در دمای اتاق قرار داده شد. سپس به آن ۱۲۰۰ میکرولیتر سدیم کربنات ۷ درصد اضافه و به مدت ۹۰ دقیقه با سرعت ۱۱۰ دور در دقیقه شیکر در دمای اتاق قرار داده و در نهایت ۶ سی‌سی آب به آن اضافه شده و میزان جذب نمونه‌ها توسط دستگاه اسپکتروفوتومتر (مدل کری ۱۰۰، واریان، آمریکا) در طول موج ۷۶۵ نانومتر با بلانک آب مقطر خوانده شد. اندازه‌گیری محتوای فلاونوئید کل از روش رنگ‌سنگی کلرید آلومینیوم انجام شد (Li *et al.*, 2006). جهت سنجش فلاونوئید کل ۰/۲۷۵ میلی‌لیتر از عصاره برگ با ۸۲۵ میکرولیتر آب مقطر به حجم ۱/۱ میلی‌لیتر رسانده و ۰/۳ میلی‌لیتر نیتریت سدیم ۵ درصد به محلول اضافه شد. پس از سپری شدن مدت زمان ۵ دقیقه ۰/۶ میلی‌لیتر کلرید آلومینیوم ۱۰ درصد به محلول اضافه و بعد از ۶ دقیقه ۲ میلی‌لیتر هیدروکسید سدیم (سود) ۱ مولار به همراه یک میلی‌لیتر آب مقطر به محلول اضافه شده و شدت جذب محلول در طول موج ۵۱۰ نانومتر با اسپکتروفوتومتر خوانده شد. تانن کل به روش Oyetayo (۲۰۰۷) انجام شد به این طریق که ۱۳۷۵ میکرولیتر آب مقطر به ۲۵۰ میکرولیتر از عصاره برگ اضافه شد سپس ۰/۱۲۵ میلی‌لیتر فولین سیوکالتیو ۱ نرمال به محلول اضافه و پس از سپری شدن ۳ دقیقه ۰/۲۵ میلی‌لیتر کربنات سدیم اشباع به محلول اضافه شد و به مدت ۶۰ دقیقه در تاریکی و شیکر با دور گردش ۱۲۰ دور در دقیقه قرار گرفت و شدت جذب محلول در طول موج ۷۲۵ نانومتر خوانده شد. تعیین فعالیت مهار رادیکال (DPPH) براساس روش Brand-Williams و همکاران (۱۹۹۵) انجام گرفت. در این روش محلول متانولی DPPH به صورت ۲ میلی‌گرم در ۱۰۰ میلی‌لیتر متانول ۸۵ درصد آماده شد. سپس ۵۰۰

جدول ۱- تجزیه واریانس اثر اسید هیومیک و پرتو فرابنفش بر روی صفت‌های مورد مطالعه

میانگین مربعات										منابع تغییر
اسید	اسید	اسید	اسید	اسید	تانن کل	فلاؤنوئید کل	فنل کل	ارتفاع ساقه	درجه آزادی	
اسید سالویانولیک	کافئیک	کلروژنیک	رزمارینیک	تانن کل	۱/۰۵**	۲/۲۰**	۱/۶۴ns	۲۲/۵۲۲**	۳	اسید هیومیک
۰/۰۳ ns	۰/۰۹*	۰/۰۱ns	۰/۱۲**	۰/۰۵**	۱/۰۱**	۵/۴۱**	۷/۰۰**	۵۸/۷۸۷**	۲	پرتو فرابنفش
۱/۰۱**	۰/۲۹**	۱/۷۴**	۰/۱۱**	۰/۰۹ns	۰/۰۱ns	۰/۴۹*	۱/۸۵*	۲۲/۳۶ns	۶	HA × UV-B
۰/۰۷ ns	۰/۲۴**	۰/۱۲*	۰/۰۱ns	۰/۰۱ns	۰/۰۵	۰/۱۴	۰/۵۸	۱۵/۵۸	۲۴	خطا
۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۵	۱۵/۵۹	۱۳/۵۰	۹۵/۹	-	ضریب تغییرات (%)	
۱۸/۸۳	۱۴/۴۱	۱۲/۴۶	۱۴/۸۷	۱۹/۹۶						

** نشان‌دهنده معنی‌دار بودن در سطح ۱ درصد، * معنی‌دار بودن در سطح ۵ درصد و ns بیانگر عدم معنی‌داری است.

جدول ۲- مقایسه میانگین اثر اسید هیومیک و پرتو فرابنفش بر ارتفاع ساقه گیاه مفراح

طول ساقه (سانتی‌متر)	صفر (شاهد)	اسید هیومیک (گرم در لیتر)
۳۵/۰۰ ^c		
۴۴/۳۳ ^{bc}	۲	
۴۸/۰۰ ^b	۴	
۵۴/۶۶ ^a	۸	
۳۵/۰۰ ^a	صفر (شاهد)	پرتو فرابنفش (ساعت)
۳۱/۶۶ ^b	۱	
۲۵/۳۳ ^c	۳	

حروف مشابه در هر ستون نشان‌دهنده عدم اختلاف معنی‌دار در سطح ۵ درصد با استفاده از آزمون چند دامنه‌ای دانکن است.

(Johnson *et al.*, 1999). براساس مطالعات Froehnmeier و Staiger (۲۰۰۳) تأثیر پرتو فرابنفش در گیاهان شامل تغییرات مورفولوژیکی مانند ایجاد میانگرهای کوچک، کاهش وزن بیوماس، کاهش سطح برگ، ممانعت از رشد و طویل شدن هیپوکوتیل است که با نتایج مطالعه حاضر در یک راستا قرار دارد. در بسیاری از منابع به تأثیر مواد هیومیکی بر رشد گیاهان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم (باروری و حاصلخیزی خاک) و ارتباط مثبت آن با عملکرد و کیفیت محصول اشاره شده است. پس از جذب مولکول‌های ارگانیک (اسید هیومیک) توسط گیاه، تغییرات بیوشیمیایی زیادی در متابولیسم گیاه و اجزای سیتوپلاسمی و ساختار غشا رخ می‌دهد. یکی از اثرات مثبت مواد هیومیکی بر گیاه جذب عناصر عمده (نیتروژن، فسفر و پتاسیم) از طریق برگ و ریشه است. اسید هیومیک با افزایش

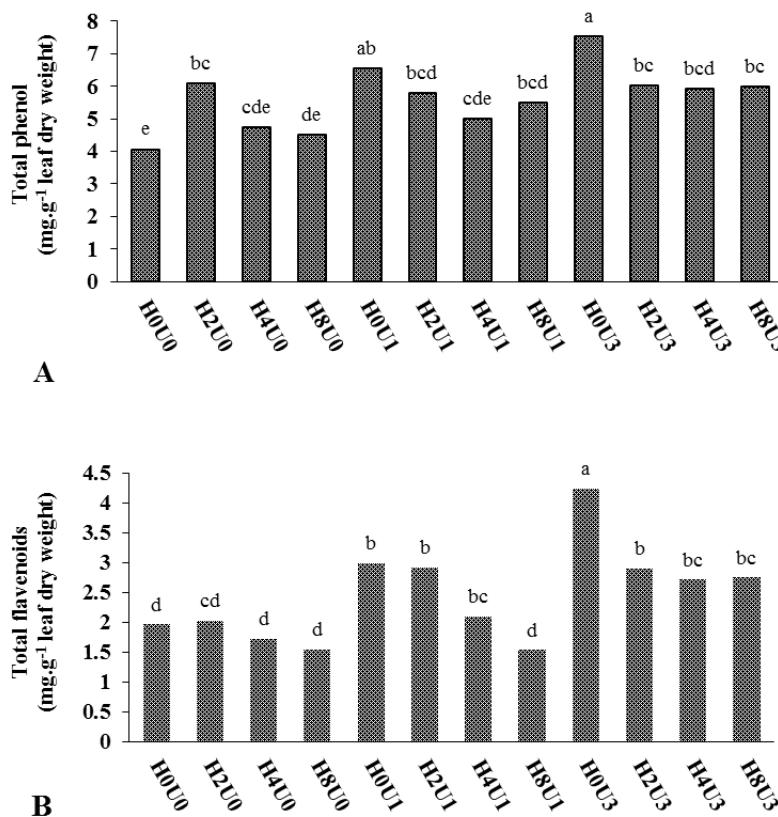
دیده شده است. به‌طورکلی گیاهانی که زیر شدت بالایی از نور قرار دارند (مثل مفراح به علت ارتفاع پسند بودن گیاه) نسبت به گیاهان رشد کرده تحت شدت نور کم، قدرت سازگاری بیشتری به تابش پرتوهای فرابنفش با انرژی بالا دارد. به عنوان مثال Hoffmann و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که دانه‌های سویا که تحت رژیم پایین نور فعال فتوستتیزی کشت شده بودند، بیشتر تحت تأثیر نور فرابنفش قرار گرفتند و کاهش بیشتری در میزان زیست‌توده (بیوماس گیاهی) را بروز دادند. علاوه بر این تابش UV باعث تخریب فتوسیستم II، کاهش فعالیت آنزیم روپیسکو و تثبیت CO₂ و در نهایت کاهش میزان ماده خشک می‌گردد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که پرتوهای فرابنفش B، مورفولوژی، آناتومی، بیوشیمی و فیزیولوژی گیاهان را در سطوح مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهند

لیتر بودست آمد (شکل ۱) که نشان می‌دهد مصرف اسید هیومیک در مقادیر بالا، میزان فلاونوئیدهای برگ را به طور معناداری کاهش می‌دهد، به طوری که در حالت عدم پرتودهی و مصرف اسید هیومیک به مقدار ۸ میلی‌گرم در لیتر، میزان فلاونوئید برگ از فلاونوئید شاهد هم کمتر شد. این امر در حالی است که پرتوتابی به مدت یک ساعت در روز نیز نتوانست میزان کاهش فلاونوئید برگ در زمان کاربرد ۸ میلی‌گرم اسید هیومیک را نیز جبران کند و باز هم میزان فلاونوئید به زیر میزان شاهد سقوط کرد، ولی پرتوتابی به مدت ۳ ساعت همزمان با کاربرد ۸ گرم اسید هیومیک تا حدودی که میزان فلاونوئید از شاهد کمتر نشود مؤثر بود ولی همین تیمار پرتودهی (۳ ساعت در روز) با عدم کاربرد اسید هیومیک نتوانست بیشترین میزان فلاونوئید را در بین تمامی تیمارها تولید کند (شکل ۱).

کاربرد اسید هیومیک تأثیر معنی‌داری در میزان تولید تانن کل برگ گیاه مفرح داشت (جدول ۳) بدین صورت که بیشترین مقدار تانن کل با میانگین ۱/۷۶ میلی‌گرم در گرم وزن خشک برگ مربوط به تیمار ۸ گرم اسید هیومیک بود. بنابراین اسید هیومیک باعث افزایش تقریباً دو برابری میزان تانن برگ نسبت به شاهد در گیاه مفرح شد. کاربرد اسید هیومیک باعث کاهش معنی‌دار ظرفیت آنتی‌اکسیدانی عصاره برگ نسبت شاهد به کمترین عدد میانگین یعنی ۵۱/۱۵ درصد شد، این در حالی است که پرتودهی گیاه به مدت ۳ ساعت در روز باعث افزایش معنی‌دار ظرفیت آنتی‌اکسیدانی به بالاترین میزان آن با میانگین ۹۱/۳۴ درصد در برگ‌های گیاه شد (جدول ۳). این حالت دقیقاً بر عکس اتفاقی است که برای تانن کل برگ با همین شرایط رخ داد. برهم‌کنش اسید هیومیک و UV-B نیز تأثیر معنی‌داری در افزایش یا کاهش میزان آنتی‌اکسیدان برگ نداشت. امروزه نقش دفاعی متابولیت‌های ثانویه برای همه تنش‌های محیطی بر تولید این مواد، تصویر پیچیده و پر ابهامی پیش روی ما می‌گذارد. شواهد زیادی حاکی از آن است که در شرایط تنشی، تولید برخی از این ترکیب‌ها تا چندین برابر

قدرت تقسیم سلولی ریشه، افزایش سنتز کلروفیل و تقویت فعالیت هورمونی و آنزیمی گیاهان باعث بهبود جذب عناصر غذایی و حاصل‌خیزی بیشتر خاک می‌گردد. در یک مطالعه بیشترین ارتفاع بوته در گیاه بادرنجبویه (*Melissa officinalis* L.) در برهم‌کنش ۴۰۰ میلی‌گرم اسید هیومیک و آبیاری در حد ظرفیت زراعی (عدم تنفس) حاصل شد که با نتایج مطالعه حاضر در یک راستا قرار دارد. Ghasemi Pirbalouti و Nemati (۲۰۱۸) ثابت کردند که صفات رویشی گیاه بادرنجبویه (*Dracocephalum moldavica* L.) از قبیل طول شاخه فرعی با افزایش میزان تنفس شوری کاهش معنی‌داری نسبت به شاهد نشان دادند و کاربرد اسید هیومیک (در هر دو سطح ۱۰۰ و ۲۰۰ میلی‌گرم در لیتر) و اسید آسکوربیک (عمدتاً سطح ۲۰۰ میلی‌گرم در لیتر) سبب بهبود این صفات نسبت به شاهد شد. براساس نتایج به دست آمده از Zaremanesh و همکاران (۲۰۱۹) به نظر می‌رسد اسید هیومیک می‌تواند در بهبود خصوصیات مورفولوژیک و فیزیولوژیک گیاه مرزه مؤثر باشد. این نتایج با نتایج مطالعه حاضر در یک راستا قرار دارد.

تأثیر اسید هیومیک و UV-B بر فاکتورهای فیتوشیمیایی گیاه مفرح: نتایج حاصل از مقایسه میانگین داده‌ها (شکل ۱) نشان داد که بالاترین میزان فنل با میانگین ۷/۵۴ میلی‌گرم در گرم وزن خشک برگ با تابش ۳ ساعت پرتو UV-B در طول روز بدون کاربرد اسید هیومیک در برگ گیاه مفرح حاصل شد، و کمترین میزان آن با میانگین ۴/۰۷ میلی‌گرم در گرم وزن خشک در برگ‌های گیاه شاهد به دست آمد که این امر نشان‌دهنده مسلم تأثیر معنی‌دار تابش پرتو UV-B در افزایش سطح فنل برگ گیاه مفرح است. گیاهانی که ۳ ساعت در روز تحت پرتوتابی با UV-B قرار گرفتند نیز بالاترین میزان فلاونوئید کل را با میانگین ۴/۲۳ میلی‌گرم در گرم برگ خشک دارا بودند (شکل ۱)، یعنی با افزایش ساعتی که گیاه تحت تابش پرتو UV-B است میزان فلاونوئید آن‌ها نیز به طور معنی‌داری افزایش می‌یابد. کمترین میزان فلاونوئید کل با میانگین ۱/۵۲ میلی‌گرم در گرم وزن خشک در شرایط یک ساعت پرتوتابی در طول روز و کاربرد ۸ گرم اسید هیومیک در



شکل ۱- تأثیر هیومیک اسید و پرتو فرابنفش (اثر مقابل) بر روی فنل کل (A) و فلاونوئید کل (B). حروف مشابه نشان‌دهنده عدم اختلاف معنی‌دار در سطح ۵ درصد با استفاده از آزمون چند دامنه‌ای دانکن است. در زیر هر ستون حرف اول مربوط هیومیک اسید و عدد بعد از آن مربوط به غلاظت آن (گرم در لیتر) است و حرف دوم مربوط به پرتو فرابنفش و عدد بعد آن مدت زمان (ساعت) اعمال آن در روز است.

جدول ۳- مقایسه میانگین اثر اسید هیومیک و پرتو فرابنفش بر تانن کل و ظرفیت آنتی‌اکسیدانی گیاه مفراح

ظرفیت آنتی‌اکسیدانی	تانن کل	صفر (شاهد)	اسید هیومیک (گرم در لیتر)
۷۰/۰۳ ^a	۰/۹۰ ^c		
۶۸/۴۰ ^a	۱/۰۷ ^c	۲	
۵۵/۳۶ ^b	۱/۲۳ ^{bc}	۴	
۵۱/۱۵ ^b	۱/۷۶ ^a	۸	
۷۰/۰۳ ^b	۰/۹۰ ^c	صفر (شاهد)	
۸۹/۲۶ ^a	۰/۹۸ ^c	۱	پرتو فرابنفش(ساعت)
۹۱/۳۴ ^a	۰/۸۱ ^c	۳	

حروف مشابه در هر ستون نشان‌دهنده عدم اختلاف معنی‌دار در سطح ۵ درصد با استفاده از آزمون چند دامنه‌ای دانکن است.

نتایج به دست آمده از این پژوهش هم نشان داد که پرتوتابی UV-B بر تولید ترکیبات مختلف از جمله ترکیبات فنلی، فلاونوئیدها، و فعالیت پاداکسایشی مؤثر است. پژوهش‌ها نشان

افزایش می‌یابد (Esra *et al.*, 2010). نور در طیف‌های خاص، به عنوان یک عامل تنش‌زای محیطی می‌تواند باعث تولید یا عدم تولید متابولیت‌های ثانویه شود (Landi *et al.*, 2020).

به عنوان ترکیب‌های فعال فیزیولوژیکی، عوامل محافظت‌کننده در مقابل تنفس، نقش مهمی در مقاومت گیاهان دارند. پس از دلایل اصلی افزایش فلاونوئیدهای مفرح تحت تابش پرتو UV-B، راهبرد دفاعی این گیاه در مقابله با این پرتو است که مطابق با مطالعات انجام شده توسط Mahdavian و همکاران (۲۰۰۸) است. استفاده از اسید هیومیک در تحقیقات Ozhan و همکاران (۲۰۱۷) در غلظت‌های بالا و در ترکیب با اسید سیتریک و کیتوزان تأثیرات مثبت بر بهبود ویژگی‌های رویشی و فیتوشیمیایی گیاه دارویی پونه‌سای گربه‌ای داشت، به طوری که محلول پاشی غلظت‌های ۴۰۰ و ۸۰۰ پی‌پی ام اسید هیومیک موجب کاهش اغلب صفات مورفولوژیکی پونه‌سای گربه‌ای شد، درحالی‌که ترکیب همین غلظت‌های اسید هیومیک با اسید سیتریک و کیتوزان موجب بهبود صفات رویشی نعناع گربه‌ای شد. این نتایج نشان می‌دهند که اگر اسید هیومیک به تنها بیان در غلظت‌های بالا بر گیاه نعناع گربه‌ای محلول پاشی شود، اثر سمیت دارد که بررسی Khorasaninejad و همکاران (۲۰۱۸) هم تأیید کننده این موضوع است به شکلی که پژوهش آن‌ها هم نشان داد بیشترین میزان ترکیب‌های فنلی در برگ گیاه دارویی سرخارگل (*Echinacea purpurea* L.) در تیمار اسید هیومیک + ورمی کمپوست+کود کامل در شرایط تنفس شدید رطوبتی به دست آمد.

اثر اسید هیومیک و پرتو فرابنفش بر اسیدهای فنولیک گیاه مفرح: این پژوهش نشان داد که کاربرد غلظت‌های مختلف اسید هیومیک اثر معنی‌داری بر مقدار اسید کلروژنیک برگ‌ها نداشت درحالی‌که پرتوتابی UV-B در سطح ۱ درصد بر فعالیت اسید کلروژنیک برگ معنی‌دار بود (جدول ۱) به طوری که بالاترین میزان فعالیت اسید کلروژنیک با میانگین ۲/۰۸ میلی‌گرم در یک گرم وزن خشک برگ در شرایط ۳ ساعت پرتوتابی UV-B (و کاربرد ۸ گرم اسید هیومیک) بدست آمد (جدول ۴) که این میزان اسید کلروژنیک در این تیمار، اختلاف معنی‌داری با تیمار ۳ ساعت پرتوتابی بدون کاربرد اسید هیومیک نداشت، پس استفاده از اسید هیومیک در تولید اسید کلروژنیک برگ‌های مفرح، تأثیر معنی‌داری نداشت.

داده‌اند که عوامل مختلفی بر درصد و میزان ترکیب‌های فنلی مؤثر هستند، در این زمینه می‌توان به عوامل ژنتیکی، شرایط محیطی، آب و هوا، گونه، روش استخراج و روش اندازه‌گیری فعالیت پاداکسایشی، سیستم‌های تغذیه‌ای و شرایط نگهداری اشاره کرد. در این پژوهش میزان فنل کل، در اثر پرتوتابی Rozema فرابنفش افزایش یافت که این افزایش طبق مطالعات و همکاران (۲۰۰۲) واکنشی دفاعی در برابر تنفس نوری است. از آنجایی‌که گیاه مفرح ذاتاً ارتفاع‌پسند بوده و در ارتفاع بالا رشد می‌کند و در این مناطق هم مقدار UV موجود در اتمسفر نسبتاً بیشتر از ارتفاعات پایین‌تر است، پس این گیاهان، سازوکار متفاوتی برای عدم آسیب و جذب این پرتوها با مکانیسم‌های مختلف دارند که از جمله این مکانیسم‌های دفاعی که در گیاه مفرح هم وجود دارد، ذخیره‌سازی ترکیبات فنلی جذب‌کننده فرابنفش در لایه‌های اپیدرم و تولید سیستم‌های پاد اکسایشی از نوع غیر آنزیمی و فیتوشیمیایی است (Maffei and Scannerini, 2000). این ترکیبات با ذخیره شدن در واکوئول سلول‌ها و جذب پرتو UV از آسیب محتوی سلولی ممانعت می‌کنند (Rozema et al., 2002). در گیاه ریحان میزان فنل کل و ظرفیت بازدارندگی رادیکال‌های آزاد DPPH تحت تابش UV-B افزایش یافت. با توجه به همبستگی قوی بین تجمع ترکیبات فنلی و فعالیت آنتی‌اسیدانی می‌توان گفت فعالیت آنتی‌اسیدانی گیاه ریحان به دلیل حضور ترکیبات فنلی است. فنل‌ها نه تنها مانند یک غربال عمل می‌کنند و از ورود اشعه UV به لایه‌های زیرین جلوگیری می‌کنند بلکه دارای فعالیت آنتی‌اسیدانی نیز هستند و رادیکال‌های آزاد تولید شده توسط اشعه UV را پاک روبی می‌کنند (Kondo and Kawashima, 2000). فرض بر این است که تنفس UV باعث افزایش فعالیت فنیل‌آلانین آمونیالیاز (PAL) که آنزیم اصلی فنیل‌پروپانوئید است، می‌شود. این امر باعث تسریع تولید ترکیبات فنلی می‌گردد (Sakalauskaite et al., 2012). از اصلی‌ترین واکنش‌های دفاعی گیاهان برای مقابله با پرتو فرابنفش، سنتز فلاونوئیدها است (Sharma et al., 1998). بسیاری از فلاونوئیدها جز مؤثری از گیاهان دارویی بوده و

جدول ۴- مقایسه میانگین‌های اثر متقابل اسید هیومیک و پرتو فرابنفش بر مقدار (میلی‌گرم در گرم وزن خشک برگ) برخی از مواد فیتوشیمیایی در گیاه مفراح

مواد فیتوشیمیایی		تیمارها		
اسید کافئیک	اسید کلروژنیک	پرتو فرابنفش (ساعت)	اسید هیومیک (گرم در لیتر)	
۱/۱۹ ^{bc}	۱/۰۵ ^e	۰	۰	
۰/۷۴ ^e	۱/۱۱ ^e	۰	۲	
۰/۷۰ ^e	۱/۰۲ ^d	۰	۴	
۱/۴۵ ^{ab}	۱/۰۶ ^{cd}	۰	۸	
۰/۸۱ ^{de}	۱/۹۴ ^{abc}	۱	۰	
۰/۷۶ ^e	۱/۸۸ ^{abcd}	۱	۲	
۱/۵ ^a	۱/۶۶ ^{bcd}	۱	۴	
۱/۰۵ ^{cd}	۱/۵۹ ^{cd}	۱	۸	
۱/۴۳ ^{ab}	۲/۰۶ ^{ab}	۳	۰	
۱/۴۶ ^{ab}	۲/۰۵ ^{ab}	۳	۲	
۱/۲۸ ^{abc}	۲/۰۷ ^{ab}	۳	۴	
۱/۱۸ ^{bc}	۲/۰۸ ^a	۳	۸	

حروف مشابه در هر ستون و گروه تیماری نشان‌دهنده عدم اختلاف معنی‌دار در سطح ۵ درصد است.

۰/۳۵ میلی‌گرم در گرم وزن خشک برگ رسید. ولی با پرتوتابی UV-B میزان اسید رزمارینیک افزایش یافت، به طوری که به بالاترین میزان آن با میانگین ۰/۸۲ میلی‌گرم در گرم وزن خشک برگ در شرایط پرتوتابی ۱ و ۳ ساعت رسید (جدول ۵).

جهت مطالعه بهتر تیمارها و بررسی تأثیر آن‌ها بر روی صفات مورد مطالعه تجزیه خوش‌های انجام گرفت (شکل ۲). بر این اساس تعداد دو خوشه تشکیل شد. در خوشه اول تیمارهای ۸ گرم هیومیک اسید + صفر ساعت تابش UV، ۲ گرم هیومیک اسید + صفر ساعت تابش UV، ۴ گرم هیومیک اسید + صفر ساعت تابش UV، ۸ گرم هیومیک اسید + ۱ ساعت تابش UV، شاهد، ۴ گرم هیومیک اسید + ۱ ساعت تابش UV قرار گرفتند.

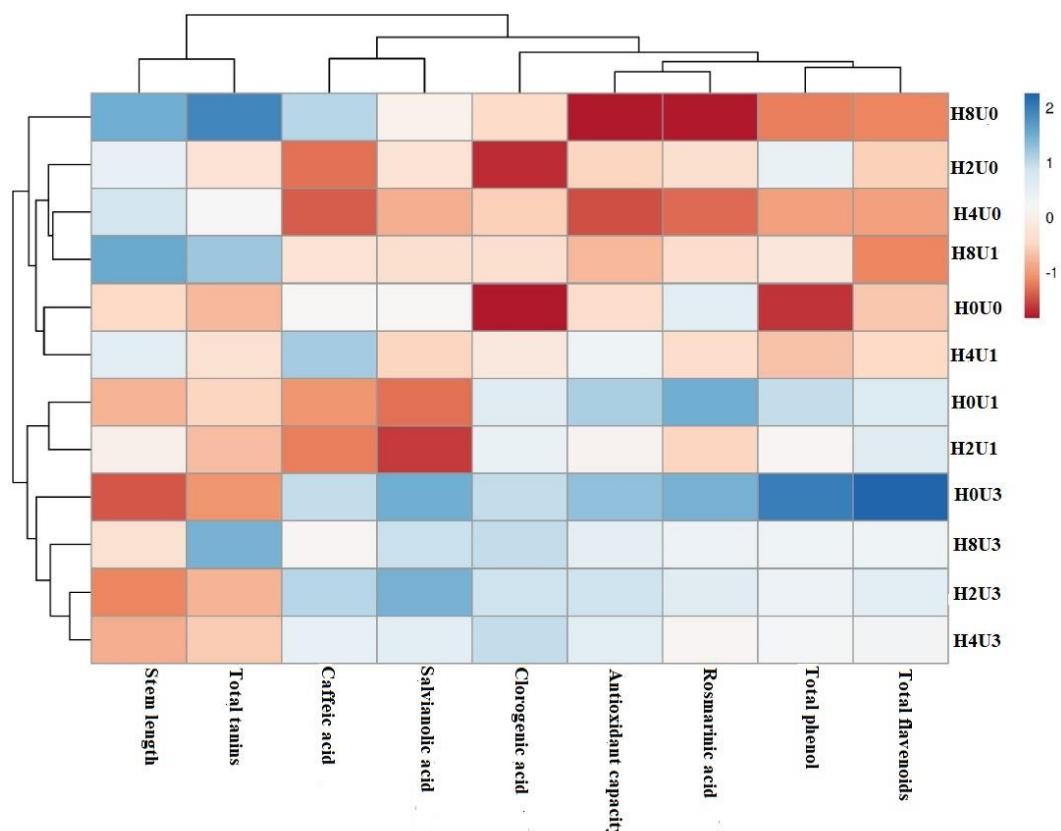
تیمارهای موجود در این خوشه از نظر صفات طول ساقه، تانن و کافئیک اسید دارای مقادیر بالایی بوده اما از نظر سایر عناصر دارای حداقل مقدار بودند. در خوشه دوم تیمارهای

پرتوتابی فرابنفش به مدت ۳ ساعت در روز بر گیاهان مفراح باعث افزایش میزان اسید کافئیک برگ‌ها نسبت به شاهد شد و بالاترین میانگین مقدار اسید کافئیک برگ با اختلاف کمی از تیمارهای پرتوتابی ۳ ساعت، مربوط به تیمار ۱ ساعت پرتوتابی به همراه کاربرد ۴ گرم اسید هیومیک با میانگین ۱/۵۰ میلی‌گرم در گرم برگ خشک بود. بیشترین مقدار اسید سالویانولیک با میانگین ۱/۶۳ میلی‌گرم در گرم برگ خشک مربوط به تیمار ۳ ساعت پرتوتابی با UV-B بود (جدول ۵) که اختلاف معنی‌داری با تیمار پرتوتابی ۳ ساعت به همراه کاربرد همزمان ۲ گرم اسید هیومیک نداشت و هر دو تیمار بیشترین عدد میانگین را نشان دادند که این اختلاف کم، حاکی از عدم معنی‌داری کاربرد اسید هیومیک در تغییر مقدار این ماده مؤثره بود. کمترین مقدار اسید سالویانولیک هم عدد ۰/۸۵ در تیمار ۱ ساعت پرتوتابی بود. با افزایش غلطت کاربرد اسید هیومیک میزان اسید رزمارینیک برگ‌ها نسبت به شاهد کاهش یافت تا به کمترین مقدار آن در کاربرد ۸ گرم اسید هیومیک با میانگین

جدول ۵- مقایسه میانگین اثر اسید هیومیک و پرتو فرابنفش بر تانن کل و ظرفیت آنتی اکسیدانی گیاه مفراخ

اسید سالویانولیک	اسید رزمارینیک	صفر (شاهد)	
۱/۲۷ ^a	۰/۶۹ ^a	۰	اسید هیومیک (گرم در لیتر)
۱/۱۴ ^a	۰/۵۷ ^b	۲	
۰/۹۷ ^a	۰/۴۲ ^c	۴	
۱/۲۴ ^a	۰/۳۵ ^d	۸	
۱/۲۷ ^b	۰/۶۹ ^b	صفر (شاهد)	
۰/۸۵ ^b	۰/۸۲ ^a	۱	پرتو فرابنفش(ساعت)
۱/۶۳ ^a	۰/۸۲ ^a	۳	

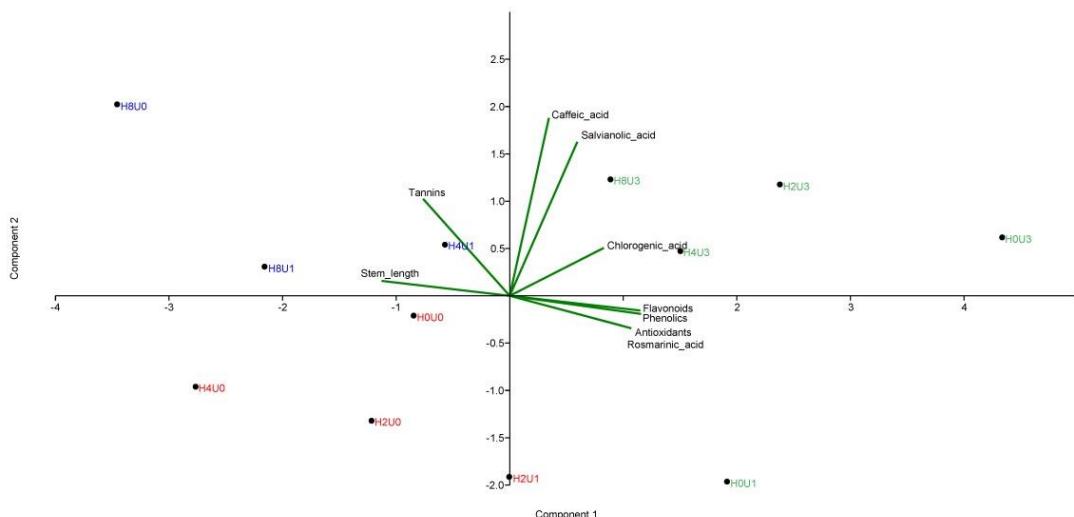
حروف مشابه در هر ستون نشان‌دهنده عدم اختلاف معنی‌دار در سطح ۵ درصد با استفاده از آزمون چند دامنه‌ای دانکن است.



شکل ۲- تجزیه خوشای بررسی تأثیر هیومیک اسید و پرتو ماوراء بنفش بر روی صفات مورد مطالعه. در انتهای هر ردیف حرف اول مربوط هیومیک اسید و عدد بعد از آن مربوط به غلظت آن (گرم در لیتر) است و حرف دوم مربوط به پرتو فرابنفش و عدد بعد آن مدت زمان (ساعت) اعمال آن در روز است.

UV، ۲ گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV و ۴ گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV قرار گرفتند. با توجه به هیئت‌مپ مورد مطالعه متوجه می‌شویم که تیمارهای موجود در

صفر گرم هیومیک اسید + ۱ ساعت تابش UV، ۲ گرم هیومیک اسید + ۱ ساعت تابش UV، صفر گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV، ۸ گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش



شکل ۳- تجزیه به مؤلفه‌های اصلی بررسی تأثیر هیومیک اسید و پرتو ماوراءبنفس بروی صفات مورد مطالعه

گرم هیومیک اسید + ۱ ساعت تابش UV و ۴ گرم هیومیک اسید + ۱ ساعت تابش UV در یک گروه قرار گرفتند. این تیمارها از نظر صفات ارتفاع ساقه و تانن‌ها در اکثریت بودند. همچنین جهت مطالعه ارتباط بین صفات مورد مطالعه از تجزیه همبستگی استفاده شد (شکل ۳). بر این اساس مشخص شد که صفت ارتفاع ساقه با اکثر صفات همبستگی منفی و معنی‌داری داشت. همچنین در مورد صفات فیتوشیمیایی تانن‌ها بیشترین همبستگی منفی را با اکثر صفات فیتوشیمیایی داشتند. در مورد سایر صفات، فلاونوئیدها با فنول‌ها، آنتی‌اکسیدان‌ها، اسید رزمارینیک و کلروژنیک اسید همبستگی مثبت و معنی‌داری داشتند.

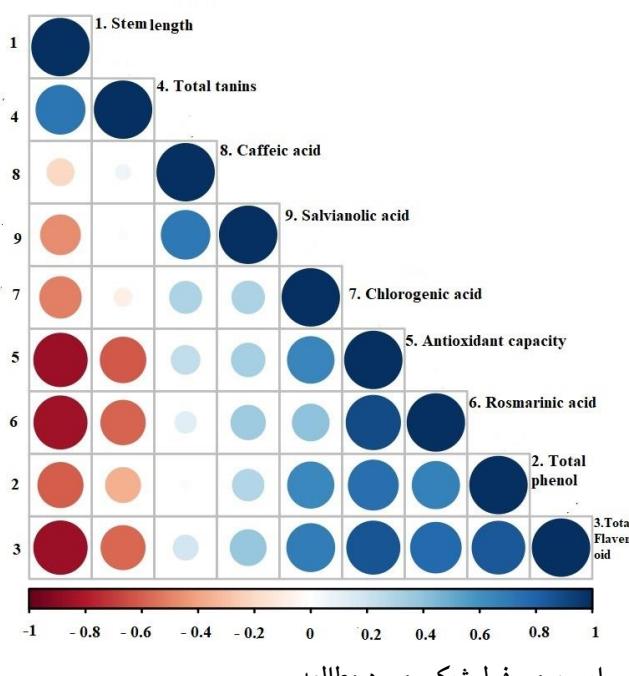
در این پژوهش تأثیر توابع کود آلی هیومیکی و پرتوتابی UV-B روی گیاهی وحشی انجام شد که تا کنون هیچ مورد مشابهی این فاکتورها را با هم روی گیاهان مورد مطالعه قرار نداده بود. مطالعه منابع نشان می‌دهد گیاه به منظور مقابله با اثرات ناشی از تنفس (پرتوتابی فرابنفس)، تولید متابولیت‌های ثانویه خود از جمله فنولیک اسیدها را افزایش داده و بنابراین بیان ژن‌های اسید رزمارینیک که از مهمترین اسیدهای فنلی به شمار می‌رود را افزایش می‌دهد.

نتایج کروماتوگرافی مایع با عملکرد بالا (با توجه به

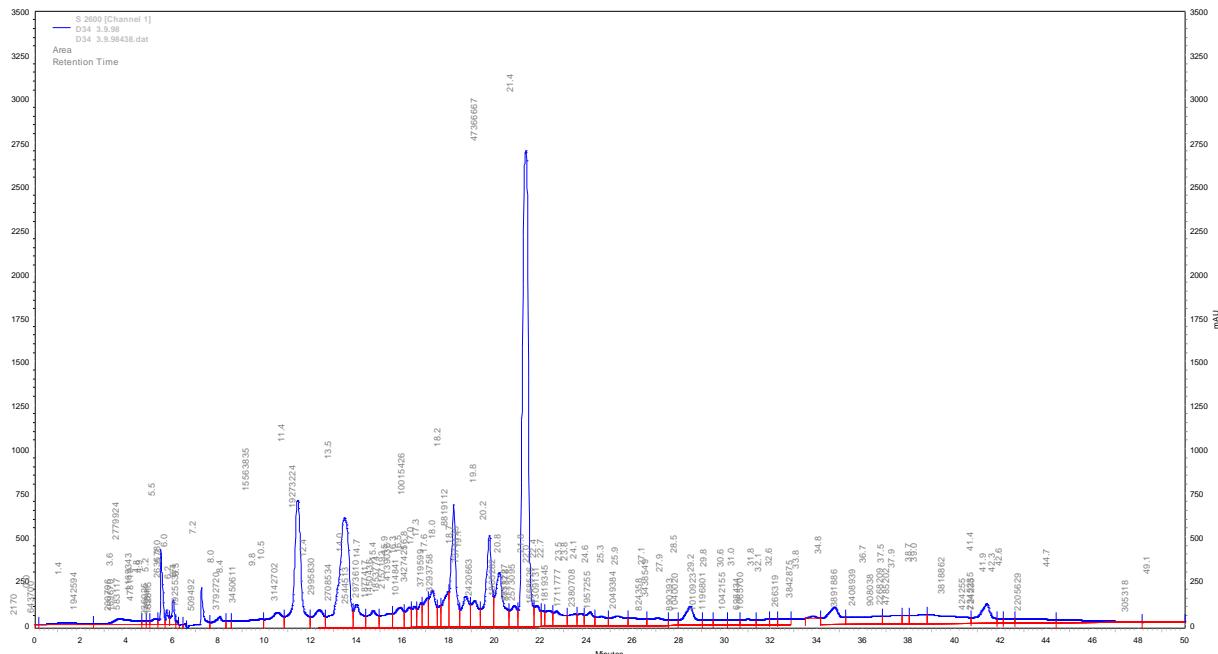
این کلاستر از نظر اکثر صفات نسبت به سایر تیمارها برتریت داشته و به عنوان تیمارهای نمونه معرفی شدند. با توجه به صفات مورد مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که تیمارهای صفر گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV، ۸ گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV، ۲ گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV و ۴ گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV با دارا بودن اکثریت مقادیر برای صفات مورد مطالعه به عنوان بهترین تیمارها معرفی شدند.

جهت تأیید نتایج تجزیه خوشای از تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده شد (شکل ۳). این تجزیه تیمارهای مورد مطالعه را در سه گروه قرار داد. براساس نتایج موجود دو گروه از میان سه گروه به عنوان تیمارهای برتر شناخته شدند. اولین گروه شامل تیمارهای ۸ گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV، ۴ گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV، صفر گرم هیومیک اسید + ۳ ساعت تابش UV و صفر گرم هیومیک اسید + ۱ ساعت تابش UV قرار گرفتند.

این تیمارها از نظر اکثر صفات دارای حداقل مقدار بوده و بنابراین به عنوان تیمارهای برتر معرفی شدند. در گروه دوم نیز تیمارهای ۸ گرم هیومیک اسید + صفر ساعت تابش UV،



شکل ۴- همبستگی بین صفات فیتوشیمیایی و مورفولوژیکی مورد مطالعه



شکل ۵- کروماتوگرام حاصل از تزریق عصاره متانولی گیاه مفراح تحت تابش ۳ ساعت UV-B به همراه کاربرد ۸ گرم هیومیک اسید به دستگاه HPLC

افزایش میزان اسید رزمارینیک با نتایج سایر پژوهش‌ها مطابقت داشت، اما از آنجایی که این افزایش با بیشتر شدن مدت زمان تابش بیشتر نشد با برخی منابع مغایرت داشت که گویی تولید

استانداردهای اندازه‌گیری شده نشان داد که در عصاره برگ مفراح، اسید کلروژنیک بیشترین و اسید رزمارینیک کمترین مقدار را بین چهار اسید فنلی اندازه‌گیری شده دارا بودند.

فرابینش را نیز گزارش کرده‌اند که با نتایج پژوهش حاضر مطابقت دارد. میزان اسید کلروژنیک موجود در *Nepeta subsp. nuda* طبق گزارش Aras و همکاران (۲۰۱۶)، ۱/۳ میلی‌گرم در عصاره گیاه اندازه‌گیری شده که با مقادیر بدست آمده از مفراح مطابقت دارد که بیانگیر مقادیر قابل توجه از این اسید فنلی در مقایسه با سایر ترکیبات موجود در آن است. براساس یافته‌های Ghane و همکاران (۲۰۱۹) بیشترین عملکرد اسید رزمارینیک در گیاه پریلا (*Perilla frutescens*) در بین کودهای مورد بررسی از تیمار کود شیمیایی ۱۰۰ کیلوگرم در هکتار، کاربرد اسید هیومیک و مصرف کود زیستی حاصل شد. نتایج آزمایش روی گیاه دارویی پریلا نشان داد کاربرد تلفیقی منابع کودی مختلف در هر دو منطقه (مشهد اردهال و سن سن) اثری به مراتب بیشتر بر وضعیت رشدی گیاه داشت.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان داد کاربرد اسید هیومیک (اثر ساده) باعث افزایش ارتفاع ساقه گیاه مفراح (حدود ۲۰ سانتی‌متر) نسبت به شاهد شد. طبق نتایج این پژوهش، کاربرد خاکی اسید هیومیک به همراه پرتوتابی فرابینش با توجه به مدت تابش و مقدار کاربرد، اثرات متفاوتی را در صفات فیتوشیمیایی گیاه مفراح ایجاد کرد. با توجه به مشاهده الگوی افزایشی-کاهشی متفاوت فاکتورهای فیتوشیمیایی گیاه وحشی مفراح در این آزمایش می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که به کارگیری توأم (برهمکنش) اسید هیومیک و UV-B روی صفات فنل کل، فلاونوئید کل، اسید کافئیک و اسید کلروژنیک بسیار معنی دار بود. کاربرد اسید هیومیک در گیاه مفراح در میزان تانن کل، ظرفیت آنتی‌اکسیدانی و اسید رزمارینیک (اثر ساده) در سطح ۱ درصد معنی دار شد و باعث افزایش تانن، کاهش فعالیت پاداکسایشی و کاهش مقدار اسید رزمارینیک در برگ مفراح شد. طبق نتایج این پژوهش، پرتو فرابینش B توأم با کاربرد اسید هیومیک در مقادیر ذکر شده اثر منفی روی فنل و فلاونوئید کل داشت. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که با مدیریت برخی عوامل محیطی از جمله نور، می‌توان سطح

اسید رزمارینیک با شرایط پژوهش حاضر فقط تا یک آستانه مشخصی (در این آزمایش یک ساعت) افزایشی بود و بعد از آن افزایش ساعات پرتوتابی تأثیری در افزایش مقادیر آن نداشت. عوامل محیطی و شرایط تنفس می‌توانند افزایش مقدار ترکیبات فنلی و متابولیسم فنیل پروپانوئید را تحت تأثیر قرار دهن. کروماتوگرام حاصل از تزریق عصاره متابولی گیاه مفراح تحت تابش ۳ ساعت UV-B به همراه کاربرد ۸ گرم هیومیک در شکل ۵ آمده است.

تغییر در تعداد و نوع ترکیبات فنلی برگ گیاهان تحت نتش UV نسبت به شاهد، گزارش شده است (Noori et al., 2012). تابش UV-B باعث سنتز آنزیم‌های کلیدی مسیر فنیل پروپانوئید می‌شود؛ بنابراین تحت تابش UV-B، گیاهان معمولاً سنتز بیوشیمیایی فلاونوئیدها و مشتقات فنیل پروپانوئید (از ابتدای مسیر ساخت) را افزایش می‌دهند (Searles et al., 2001). اسید رزمارینیک، اسید کافئیک، اسید کلروژنیک و اسید سالویانولیک هم مجموعاً جزئی از فنیل پروپانوئیدها هستند که طبق توضیحات ارائه شده در معرض پرتوتابی فرابینش افزایش می‌یابند و این مطلب در نتایج مطالعه حاضر نیز مصدق دارد. تابش UV-B در گیاه رزماری باعث افزایش غلظت اسید رزمارینیک و اسید کاربوزیک شد که افزایش هر دو، هم‌زمان با افزایش جذب رادیکال آزاد بود (Luis et al., 2007). به کار بردن UV-B در کشت سلول و ریشه‌های گیاه شوید سبب تحریک سنتز اسید کافئیک و فنیل پروپانوئید شد. در این نتش، تنها طول موج‌های زیر ۳۶۰ نانومتر مؤثر بودند و بیشترین میزان تأثیر در طول موج کمتر از ۳۲۰ نانومتر مشاهده شد که با نتایج مطالعه حاضر در یک راستا قرار دارد (Mohle and Wellmann, 1982). تابش فرابینش باعث افزایش تجمع ترکیباتی مانند اسید کاربوزیک و اسید کافئیک در گیاه رزماری شد که این ترکیبات با دارا بودن خواص درمانی، کیفیت تغذیه‌ای گیاه رزماری را بهبود می‌بخشند (Sakalauskaite et al., 2012). برخی از فنل‌ها مانند اسید کافئیک بر اثر پرتووده‌ی با فرابینش فعال می‌شوند. Tegelberg و Julkunen-Tiitto (2001) افزایش اسیدهای فنلی در درخت بید توسط پرتو

متabolیت‌های ثانویه مهم در مفراح، از جمله اسید کلروژنیک که مقادیر نسبتاً بالایی در گیاهان جنس نپتا دارد، به سمت اهلی‌سازی و تولید این گیاه دارویی با ارزش پیش رفت.

تولید برخی از ترکیبات جاذب UV را که نقش دارویی دارند در مفراح تحت تأثیر قرار داد. از آنجا که فرآیند تولید گیاهان دارویی به سوی بهبود کیفیت و کمیت ماده مؤثره آن‌ها پیش می‌رود می‌توان با شناخت و مدیریت عوامل مؤثر در تولید

منابع

- Aiken, G. R., McKnight, D. M., Wershaw, R. L., & MacCarthy, P. (1986). Humic substances in soil, sediment, and water. *Soil Science*, 142(5), 323.
- Al Murad, M., Razi, K., Jeong, B. R., Samy, P. M. A., & Muneer, S. (2021). Light emitting diodes (LEDs) as agricultural lighting: Impact and its potential on improving physiology, flowering, and secondary metabolites of crops. *Sustainability*, 13(4), 1985. <https://doi.org/10.1016/j.bbabi.2019.148131>
- Aras, A., Bursal, E., & Dogru, M. (2016). UHPLC-ESI-MS/MS analyses for quantification of phenolic compounds of *Nepeta nuda* subsp. *lydiae*. *Journal of Applied Pharmaceutical Science*, 6(11), 009-013. <https://doi.org/10.7324/JAPS.2016.601102>
- Aydin, A., Kant, C., & Turan, M. (2012). Humic acid application alleviate salinity stress of bean (*Phaseolus vulgaris* L.) plants decreasing membrane leakage. *African Journal of Agricultural Research*, 7(7), 1073-1086.
- Brand-Williams, W., Cuvelier, M. E., & Berset, C. (1995). Use of a free radical method to evaluate antioxidant activity. *LWT-Food science and Technology*, 28(1), 25-30. [https://doi.org/10.1016/S0023-6438\(95\)80008-5](https://doi.org/10.1016/S0023-6438(95)80008-5)
- Buchholz, G., Ehmann, B., & Wellmann, E. (1995). Ultraviolet light inhibition of phytochrome-induced flavonoid biosynthesis and DNA photolyase formation in mustard cotyledons (*Sinapis alba* L.). *Plant Physiology*, 108(1), 227-234. <https://doi.org/10.1104/pp.108.1.227>
- DasSarma, P., Antunes, A., Simoes, M. F., & DasSarma, S. (2020). Earth's stratosphere and microbial life. *Current Issues in Molecular Biology*, 38(1), 197-244. <https://doi.org/10.21775/cimb.038.197>
- Esra, K., Islek, C., & Ustun, A. S. (2010). Effect of cold on protein, proline, phenolic compounds and chlorophyll content of two pepper (*Capsicum annuum* L.) varieties. *Gazi University Journal of Science*, 23(1), 1-6.
- Frohnmyer, H. & Staiger, D. (2003). Ultraviolet-B radiation-mediated responses in plants. Balancing damage and protection. *Plant Physiology*, 133(4), 1420-1428. <https://doi.org/10.1104/pp.103.030049>
- Ghane, M., Mohammadi, M., & Pirdashti, H. (2019). Yield and physiological response of Perilla (*Perilla frutescens*) under different soil fertility treatments. *Advances in Horticultural Science*, 33(2), 205-214.
- Ghasemi Pirbalouti, A. & Nemati, S. H. (2018). Effect of humic acid and ascorbate on growth and biochemical traits of Moldavian balm (*Dracocephalum moldavica* L.) under salinity stress. *Journal of Plant Process and Function*, 7(23), 297-312. <https://doi.org/10.1001.1.23222727.1397.7.23.23.6>
- Ghasemi, S., Kumleh, H. H., & Kordrostami, M. (2019). Changes in the expression of some genes involved in the biosynthesis of secondary metabolites in *Cuminum cyminum* L. under UV stress. *Protoplasma*, 256, 279-290. <https://doi.org/10.1007/s00709-018-1297-y>
- Heijde, M. & Ulm, R. (2012). UV-B photoreceptor-mediated signalling in plants. *Trends in Plant Science*, 17(4), 230-237. <https://doi.org/10.1016/j.tplants.2012.01.007>
- Hoffmann, A. M., Noga, G., & Hunsche, M. (2015). High blue light improves acclimation and photosynthetic recovery of pepper plants exposed to UV stress. *Environmental and Experimental Botany*, 109, 254-263. <https://doi.org/10.1016/j.envexpbot.2014.06.017>
- Johnson, C. B., Kirby, J., Naxakis, G., & Pearson, S. (1999). Substantial UV-B-mediated induction of essential oils in sweet basil (*Ocimum basilicum* L.). *Phytochemistry*, 51(4), 507-510. [https://doi.org/10.1016/S0031-9422\(98\)00767-5](https://doi.org/10.1016/S0031-9422(98)00767-5)
- Khorasaninejad, S., Alizadeh Ahmadabadi, A., & Hemmati, K. (2018). The effect of humic acid on leaf morphophysiological and phytochemical properties of *Echinacea purpurea* L. under water deficit stress. *Scientia Horticulturae*, 239, 314-323. <https://doi.org/10.1016/j.scienta.2018.03.015>
- Kondo, N. & Kawashima, M. (2000). Enhancement of the tolerance to oxidative stress in cucumber (*Cucumis sativus* L.) seedlings by UV-B irradiation: possible involvement of phenolic compounds and antioxidative enzymes. *Journal of Plant Research*, 113, 311-317.
- Landi, M., Zivcak, M., Sytar, O., Brestic, M., & Allakhverdiev, S. I. (2020). Plasticity of photosynthetic processes and the accumulation of secondary metabolites in plants in response to monochromatic light environments: A review. *Biochimica et Biophysica Acta (BBA)-Bioenergetics*, 1861(2), 148131. <https://doi.org/10.1016/j.bbabi.2019.148131>
- Li, Y., Guo, C., Yang, J., Wei, J., Xu, J., & Cheng, S. (2006). Evaluation of antioxidant properties of pomegranate peel extract in comparison with pomegranate pulp extract. *Food Chemistry*, 96(2), 254-260.

- Liu, C. & Cooper, R. J. (2000). Humic substances influence creeping bentgrass growth. *Carbon*, 54(59), 41-51.
- Luis, J., Perez, R. M., & Gonzalez, F. V. (2007). UV-B radiation effects on foliar concentrations of rosmarinic and carnosic acids in rosemary plants. *Food Chemistry*, 101(3), 1211-1215. <https://doi.org/10.1016/j.foodchem.2006.03.023>
- MacCarthy, P. (2001). The principles of humic substances. *Soil Science*, 166(11), 738-751.
- Mafakheri, M. & Kordrostami, M. (2021). Recent advances toward exploiting medicinal plants as phytoremediators. In *Handbook of Bioremediation*. Pp. 371-383. Elsevier. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-819382-2.00023-5>
- Maffei, M. & Scannerini, S. (2000). UV-B effect on photomorphogenesis and essential oil composition in peppermint (*Mentha piperita* L.). *Journal of Essential Oil Research*, 12(5), 529-523. <https://doi.org/10.1080/10412905.2000.9712150>
- Mahdavian, K., Ghorbanli, M., & Kalantari, K. (2008). The effects of ultraviolet radiation on the contents of chlorophyll, flavonoid, anthocyanin and proline in *Capsicum annuum* L. *Turkish Journal of Botany*, 32(1), 25-33.
- Mahmoodi, S., Heydari, M., Ahmadi, K., Khwarahm, N. R., Karami, O., Almasieh, K., Naderi, B., Bernard, P., & Mosavi, A. (2022). The current and future potential geographical distribution of *Nepeta crispula* Willd., an endemic, rare and threatened aromatic plant of Iran: Implications for ecological conservation and restoration. *Ecological Indicators*, 137, 108752. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2022.108752>
- Mohle, B. & Wellmann, E. (1982). Induction of phenylpropanoid compounds by UV-B irradiation in roots of seedlings and cell cultures from dill (*Anethum graveolens* L.). *Plant Cell Reports*, 1(5), 183-185.
- Muscolo, A., Sidari, M., & Nardi, S. (2013). Humic substance: Relationship between structure and activity. Deeper information suggests univocal findings. *Journal of Geochemical Exploration*, 129, 57-63. <https://doi.org/10.1016/j.gexplo.2012.10.012>
- Noori, M., Dehshiri, M. M., & Ghorbani, M. (2012). Investigation of leaf flavonoids of Reseda (Tourn.) et L. (Resedaceae) members in Markazi province, Iran. *Journal of Medicinal plants and By-product*, 1(2), 171-176. <https://doi.org/10.22092/jmpb.2012.108482>
- Noroozisharaf, A. & Kaviani, M. (2018). Effect of soil application of humic acid on nutrients uptake, essential oil and chemical compositions of garden thyme (*Thymus vulgaris* L.) under greenhouse conditions. *Physiology and Molecular Biology of Plants*, 24(3), 423-431. <https://doi.org/10.1007/s12298-018-0510-y>
- Ouzounis, T., Frette, X., Rosenqvist, E., & Ottosen, C. O. (2014). Spectral effects of supplementary lighting on the secondary metabolites in roses, chrysanthemums, and campanulas. *Journal of Plant Physiology*, 171(16), 1491-1499. <https://doi.org/10.1016/j.jplph.2014.06.012>
- Oyetayo, V. (2007). Comparative studies of the phytochemical and antimicrobial properties of the leaf, stem and tuber of *Anchonnanthes diffornis*. *Journal of Pharmacology and Toxicology*, 2(4), 407-410.
- Ozhan, N., Goldani, M., Naghdi Badi, H., Mehrafarin, A., & Parsa, M. (2017). Changes in Nepetalactone content and biochemical traits of catnip (*Nepeta cataria* L.) in response to induction of biostimulants compounds. *Journal of Medicinal Plants*, 16(64), 32-44. <https://doi.org/10.1001.1.2717204.2017.16.64.24.1>
- Rahimi, M., Kordrostami, M., Mohamadhasani, F., & Chaeikar, S. S. (2021). Antioxidant gene expression analysis and evaluation of total phenol content and oxygen-scavenging system in tea accessions under normal and drought stress conditions. *BMC Plant Biology*, 21(1), 1-12.
- Rozema, J., Bjorn, L. O., Bornman, J., Gaberscik, A., Hader, D. P., Trost, T., Germ, M., Klisch, M., Groniger, A., & Sinha, R. (2002). The role of UV-B radiation in aquatic and terrestrial ecosystems—an experimental and functional analysis of the evolution of UV-absorbing compounds. *Journal of Photochemistry and Photobiology B: Biology*, 66(1), 2-12.
- Sakalauskaite, J., Viskelis, P., Duchovskis, P., Dambrauskienė, E., Sakalauskiene, S., Samuoliene, G., & Brazaityte, A. (2012). Supplementary UV-B irradiation effects on basil (*Ocimum basilicum* L.) growth and phytochemical properties. *Journal of Food, Agriculture and Environment*, 10(3-4), 342-346.
- Searles, P. S., Flint, S. D., & Caldwell, M. M. (2001). A meta-analysis of plant field studies simulating stratospheric ozone depletion. *Oecologia*, 127, 1-10. <https://doi.org/10.1007/s004420000592>
- Sharma, P. K., Anand, P., Sankhalkar, S., & Shetye, R. (1998). Photochemical and biochemical changes in wheat seedlings exposed to supplementary ultraviolet-B radiation. *Plant Science*, 132(1), 21-30. [https://doi.org/10.1016/S0168-9452\(97\)00266-5](https://doi.org/10.1016/S0168-9452(97)00266-5)
- Shin, H. S., Lee, J., & Choi, C. Y. (2011). Effects of LED light spectra on oxidative stress and the protective role of melatonin in relation to the daily rhythm of the yellowtail clownfish, *Amphiprion clarkii*. *Comparative Biochemistry and Physiology Part A: Molecular & Integrative Physiology*, 160(2), 221-228. <https://doi.org/10.1016/j.cbpa.2011.06.002>
- Tegelberg, R. & Julkunen-Tiitto, R. (2001). Quantitative changes in secondary metabolites of dark-leaved willow (*Salix myrsinifolia*) exposed to enhanced ultraviolet-B radiation. *Physiologia Plantarum*, 113(4), 541-547.
- Tezcan, F., Gultekin-Ozguven, M., Diken, T., Ozcelik, B., & Erim, F. B. (2009). Antioxidant activity and total phenolic, organic acid and sugar content in commercial pomegranate juices. *Food Chemistry*, 115(3), 873-877.

<https://doi.org/10.1016/j.foodchem.2008.12.103>

- Todorova, D., Sergiev, I., Moskova, I., Katerova, Z., Georgieva, N., Alexieva, V., Brambilla, I., & Mapelli, S. (2014). Biochemical responses of triticale plants treated with UV-B irradiation and nutrient solution enriched with humic acids. *Turkish Journal of Botany*, 38(4), 747-753. <https://doi.org/10.3906/bot-1312-52>
- Zaremanesh, H., Eisvand, H., Akbari, N., Ismaili, A., & Feizian, M. (2019). Effects of different humic acid and salinity levels on some traits of Khuzestani savory (*Satureja khuzistanica* Jamzad). *Applied Ecology & Environmental Research*, 17 (3).
- Zhang, W. J. & Bjorn, L. O. (2009). The effect of ultraviolet radiation on the accumulation of medicinal compounds in plants. *Fitoterapia*, 80(4), 207-218.

Effect of UV-B and humic acid on the physiological properties of *Nepeta crispa*

Zahra Karimi¹, Ali Azizi¹ and Alireza Noroozisharaf^{1, 2*}

¹ Department of Horticultural Science, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

² Department of Horticulture and Landscape Engineering, Sayyed Jamaleddin Asadabadi University, Asadabad, Iran

(Received: 2024/02/10, Accepted: 2024/05/07)

Abstract

Nepeta crispa is a perennial plant in the mint family. The present study aimed to study the effect of the combined application of humic acid and UV-B radiation on the growth and some phytochemical responses of this plant. The experiment was conducted as a factorial (two-factor) in a completely randomized design with three replications. The first factor was humic acid at 4 levels (0, 2, 4 and 8 g .L⁻¹) and the second factor, UV-B radiation at 3 levels (0, 1 and 3 hours of irradiation per day). Based on the results, in contrast to the UV-B irradiation treatment, the effect of humic acid application significantly increased stem height compared to the control treatment. Also, the highest amount of total phenol, flavonoids, and antioxidant capacity and the lowest amount of total tannin were all obtained in 3 hours of UV-B irradiation treatment without the application of humic acid. The highest amount of total tannin and the lowest antioxidant capacity were observed in the treatment of 8 g .L⁻¹ humic acid. The results of HPLC analysis of leaf extract showed that the highest amount of rosmarinic acid and salvanoic acid was produced in 3 hours of UV-B irradiation treatment per day. Among the studied phenolic acids, the highest amount of chlorogenic acid was obtained in the treatment of 3 hours of UV-B radiation + 8 g .L⁻¹ of humic acid. The highest amount of caffeic acid was observed in 1 hour of radiation treatment + 4 g .L⁻¹ of humic acid. In all, the combined use (interaction) of humic acid and UV-B were significant for total phenol, total flavonoid, caffeic acid and chlorogenic acid. The use of humic acid (simple effect) in this plant had a significant effect on the total tannin, antioxidant capacity and rosmarinic acid at a level of 1% and increased tannin while decreasing antioxidant activity and rosmarinic acid in *Nepeta crispa* leaves. Humic acid also reduced the levels of antioxidant capacity and rosmarinic acid, and the only trait that had an increasing effect on it was the amount of total tannin. The results of this study can be considered for the cultivation of this plant under greenhouse-field conditions.

Keywords: Antioxidant capacity, Optical stress, Phenolic compounds, Rosemaryic acid, Stress reducing agents

Corresponding author, Email: a.noroozi@basu.ac.ir; noroozi2ar@gmail.com